

## مروری بر دیدگاهها، باورها و عملکرد یونیسیف در مورد "مشارکت کودکان"

دکتر مهدیس کامکار\*

در جوامع و قبایل سنتی توجه ویژه‌ای به آغاز دوره نوجوانی وجود داشت. این دوره به منزله پیش دوره بزرگسالی شامل پذیرفتن تعهدها، مسئولیتها و اختیارات ویژه خود بود، و با مراسم خاصی انجام می‌شد که به رسمیت شناختن نقش نوجوانان را در جامعه اعلام می‌داشت. این رسم باستانی به مرور زمان به فراموشی سپرده شد، و احیای آن به واسطه ارزش سرمایه‌گذاری جامعه بر نسل آتیه توسط یونیسیف در سپتامبر ۲۰۰۲ به رسمیت شناخته شد. بحث کلی یونیسیف آن است که ساختن جامعه جهانی، و دنیایی براساس آرامش و صلح بدون توجه به عقاید، دیدگاهها، و تجربیات کودکان و نوجوانان به ویژه حول و حوش مقوله‌هایی که مؤثر بر زندگی خودشان است بی‌معناست. به همین دلیل اعضا و همکاران یونیسیف بحثهای گسترده و در عین حال ویژه‌ای درباره علت شناسی، اپیدمیولوژی، باورها و نگرشهای پیشین، حال و آینده جهانی بر مشارکت کودکان نوجوانان دارند.

### مقدمه

به نظر می‌رسد از زمانهای بسیار دور و در قبایل کهن مشارکت نوجوانان مسئله بسیار مهم و قابل توجهی بوده است. در واقع آنچه از تاریخ به دست می‌آید آن است که کودکان چون به سن بلوغ جسمی می‌رسیدند برای آنان مرز تکلیف به معنای مسئولیت‌پذیری، مشارکت و باور آنان به عنوان یک شهروند تعریف می‌شده است. در تاریخ ادیان نیز همین نکته مهم به چشم می‌خورد، آیین مذهبی، همچون مراسم سنتی قبیله‌ای به کودکان و بزرگسالان یادآور این نقطه عطف (Mile stam) در زندگی می‌شد، و این آیین توأم با رقابت، تلاش، پاداش، پایکوبی و شادی همگانی بود. به همین دلیل هر کودکی چشم انتظار این

\* روانپزشک

تحول بزرگ به لحاظ پذیرش وی به عنوان یک فرد مسئول، قابل اتکا و قابل توجه می ماند، چرا که یک ارزش هدمند و اصیل در سیر زندگی وی محسوب می شد.

اما این رسم کهن، مهم و بسیار سودمند برای فرد و جامعه مثل بسیاری از رسوم دیگر در طول قرون و در روند شهرنشینی، نوگرایی و تجدید طلبی از یاد رفت، شاید مرز کودکی، نوجوانی، جوانی، میانسالی... نیز از میان رفته باشد، و همین مسئله در احساس پذیرش تعهد، تقبل مسئولیت، و به زمام گرفتن اختیار و امور که امری دو جانبه و متقابل است و در واقع تقسیم بندی عینی و شاید باطنی دوره های زندگی بین نسلهای متمادی از میان رفته باشد.

همان طور که هرم قدرت در خانواده شکسته شد، و در تمدن پدر سالاری، فرزند سالاری مشکلی افزون بر مشکلات قبلی دوران معاصر گشت... از این همه رو، مقاله زیر مروری است بر دیدگاه یونیسف بر مشارکت کودکان (کودک - نوجوان)، که شاید عطفی باشد برای نگرستن به سودمندیهای فراوانی که بسیاری از سنتهای تاریخ در برداشته است، و درسی باشد برای آیندگان که خط بطلان بر همه اندیشه ها، گفته ها و کرده های گذشتگان نکشند، تنها خطای آنان را به تدریج در طول زمان تصحیح کنند، که این است تجربه آموختن به آیندگان

## مشارکت کودکان "اسطوره و واقعیت"

### ۱- اسطوره

مشارکت کودکان به معنای انتخاب یک کودک برای ابزار عقیده و نمایش چشم انداز کودکان در یک گردهمایی و هم اندیشی بزرگسال است.

**واقعیت:** کودکان یک گروه یکسان و یکدست نیستند و از هیچ کودکی انتظار نمی رود که نماینده ابراز علایق همسالان خود از سنین، نژاد، جنس و اقوام مختلف باشد. کودکان نیاز به تبادل نظر و کنکاش مخصوص به خود برای ایجاد مهارت، اولویت بندی، طریقه ارتباط برقرار کردن و یادگیری و آموزش از همسالان خود دارند. به این شیوه، کودکان بهتر قادر خواهند بود به چه کسی عقاید و علایق و دیدگاههای خود را ابراز کنند.

## ۲- اسطوره

مشارکت کودکان، بزرگسالان را درگیر ارائه تمام توان خود به کودکانی که آمادگی ترتیب امور را ندارند می کند.

### واقعیت

مشارکت به معنای این نیست که بزرگسالان تمام اختیار تصمیم گیری را کاملاً به کودکان تحویل دهند کنوانسیون (پیمان) حقوق کودک می گوید: به کودکان باید براساس ظرفیت و توان موجودشان در حین رشد و نمو مسئولیت بیشتری داد. در بسیاری از موارد هنوز بزرگسالان تصمیم‌نهایی را براساس صلاح کودک اتخاذ می کنند، اما با ذهنیت پیمان حقوق کودک این تصمیم باید با آگاهی از دیدگاههای کودک گرفته شود، زیرا هر چه کودک بزرگتر می شود والدین مختارند که مسئولیت بیشتری برای تصمیم گیری در موارد مربوط به کودک، حتی در مواردی که مورد اختلاف نظر است مثل مواردی چون سرپرستی کودک بعد از طلاق والدین، بدهند.

## ۳- اسطوره

کودک باید کودکی کند و نباید به اجبار مسئولیتهایی را که باید به بزرگسالان داد به او بدهیم. **واقعیت:** قطعاً باید به کودک اجازه کودکی و دریافت حمایت‌های لازم در تأمین رشد و نمو سالم را داد و نباید به هیچ کودکی به اجبار مسئولیتهایی را که برایش آمادگی ندارد، تفویض کرد.

اما در عین حال رشد و نمو سالم کودک به اینکه با دنیای پیرامون خود درگیر شود تصمیمات مستقل‌تری بگیرد و مسئولیتهای بیشتری را با افزایش توان خود اتخاذ کند، بستگی دارد.

کودکانی که با ممانعت بزرگسالان در مشارکت روبرو می‌شوند ناامید، درمانده و حتی بی‌تفاوت به دنیای پیرامون خود بار می‌آیند. یک فرد هجده ساله بدون تجربه مشارکت

تجهیزات ناچیزی برای به عهده گرفتن مسئولیتهای لازم به عنوان یک شهروند جامعه مرد سالار خواهد داشت.

#### ۴ - اسطوره

مشارکت کودکان صرفاً یک ریاکاری است. تعداد معدودی کودک از یک زمینه دستچین و برگزیده، انتخاب می شوند که با افراد بزرگسال قدرتمند صحبت کنند، افراد بزرگسالی که بعد از مدتی گفته‌های کودکان را با وجود ادعای اعتبار برای «گوش سپردن به کودکان» نادیده می انگارند.

**واقعیت:** در بسیاری موارد، مشارکت کودکان ثابت کرده است که در ایجاد یک سامانه موثر مفید خواهند بود. این مسئله بستگی به ما دارد که چگونه انواع هدفمند مشارکت کودکان را برای سودرسانی به خودشای و جامعه در کل به کار بریم.

#### ۵ - اسطوره:

مشارکت کودکان، در عمل فقط شامل نوجوانانی می شود که به هر حال خود در نیمه راه بزرگسالی قرار دارند.

**واقعیت:** چهره تدبیرگرانه عمومی مشارکت کودکان بیشتر شامل یک نوجوان است تا یک کودک ۶ ساله، اما مشاوره با کودکان در هر سن و سالی که باشند در مورد مقولاتی که مربوط به آنان است امری اساسی و ضروری است. این به معنای مشارکت در مدرسه، خانواده، در تصمیم گیری راجع به موضوعهایی است که بحث می شود. کودکان در هر سنی که باشند توانمندتر از آن اعتباری هستند که معمولاً به آنان داده می شود، و می توانند با مسائلی که در مقابلشان قرار می گیرد به چالش برخیزند، البته اگر بزرگسالان پشتیبان تلاش آنان باشند.

#### ۶ - اسطوره:

هنوز هیچ کشوری در دنیا در مورد تمام مقوله‌ها مشارکت و مشاوره نمی کند و قرار هم نیست به این زودی چنین کاری را انجام دهد.

**واقعیت:** این مسئله تا حدودی درست است. تمام کشورها پیمان (کنوانسیون) حقوق کودک را به رسمیت شناخته و متعهد شده اند که حقوق مشارکت برای کودکان را تضمین کنند. برای

مثال: حق ابراز آزادانه عقاید در مورد موضوعهایی که مربوط به کودکان است آزادی اندیشه، مذهب، وجدان، شعور و احساسات درونی، همکاری، پیوند و گردهمایی مسالمت آمیز. در حال حاضر تمامی کشورها در برقراری سامانه، سیاستها و خط مشیایی که به کودکان امکان بهره مندی از این حقوق را می دهد پیشرفتهای شایانی به دست آورده‌اند.

۷- ممکن است با کودکان مشاوره صوری انجام شود، اما دیدگاه‌هایشان را تغییر ندهند.

**واقعیت:** اگر به دیدگاه‌های کودکان با ظرافت توجه و به درستی درک شود، اغلب اوقات کودکان می‌توانند تغییرهای مهمی ایجاد کنند و نکته‌هایی را روشن کنند که بزرگسالان هرگز به تنهایی متوجه آن نشده‌اند. کودکان می‌توانند تغییرهای مثبت عمیقی در سیاستها و برنامه‌های گذارهایی که موجب حمایت کودکان از صدمه‌ها و زیانهای آتی می‌شود ایجاد کنند. مشاوره با هر کودک خردسالی می‌تواند نتایج قابل ملاحظه‌ای به بار آورد. اما نکته اصلی اینجاست که چنین مشاوره سنجیده و حساب شده‌ای به ندرت صورت می‌گیرد.

۸- **اسطوره:** اسطوره امتناع کودکان در مشارکت حقوق آنها را در این امر رد می‌کند.

**واقعیت:** در واقع مقاومت بخش مهمی از مشارکت می‌تواند محسوب شود. چه در امر مشارکت در خانه، چه در مورد پذیرش یا امتناع از پذیرش مجازات در مدرسه و چه در مورد نگرش معطوف به مداخله در حقوق مدنی در اجتماع، مقاومت می‌تواند نشانگر دیدگاه و عقیده کودک و نوجوان در مورد یک مقوله یا احساس وی در موارد مربوط به او باشد. بزرگسالان باید مقاومت را یک نوع ارتباط تلقی کنند و از طریق درک متقابل، گفتگو و بحث به جای سعی در پیشگیری از آن به اجبار یا مجاب ساختن کودک، به این مقاومت عکس العمل و پاسخ دهند. در هیچ شرایطی کودک نباید مجبور به مشارکت شود.

### مشارکت کودکان یعنی چه؟

مشارکت کودکان: شامل تشویق و توانمندسازی کودکان برای شناختن و شناساندن

دیدگاه‌های خود در مورد مقوله‌های مربوط به آنها و مؤثر بر آنان است.

برای تمرین مشارکت، بزرگسالان باید به کودکان گوش بسپارند، این به معنای گوش کردن و توجه نشان دادن به تمامی راههای متعدد و متنوع ارتباطی با کودکان است. همچنین به معنای تضمین آزادی بیان و به حساب آوردن دیدگاههای آنان در تصمیم گیریهای متأثر بر کودکان است. دخالت دادن کودکان در بحث و تبادل نظر، به آنان اجازه یادگیری راههای ساختاری و سازنده موثر بر دنیای پیرامونشان به آنها می دهد.

مشارکت کودکان باید قابل اعتبار و هدفمند باشد، باید همراه با خود کودک و نوجوان، با واژه‌های خود آنان، واقع بینی و پی گیری دیدگاههای خودشان، آرزو، رؤیا و دغدغه هایشان را درک کرد.

مهمترین مسئله در امر مشارکت اصیل و هدف مند کودکان تغییر نگرش بنیادی در طرز تفکر و رفتار بزرگسالان از یک رویکرد انحصار طلبانه به رویکرد فراگیر در مورد کودکان و توانمندیهای آنان است.

نیاز سخت یارانش (Drive) در مشارکت یک امر فطری در هر انسانی است. افزایش هدف مند و ارتقای کیفیت مشارکت کودک و نوجوان مستلزم رشد و نمو آنان است. کودکان ثابت کرده‌اند که در هر زمانی که مورد مشورت و مداخله قرار گیرند می توانند تغییرهایی در دنیای پیرامون خود ایجاد کنند. آنها عقاید، تجربیات، بصیرت و نگرش خاص خود را در درک بزرگسالان و مشارکت مثبت در عملکرد بزرگسالان دارند. این اعتقاد یونیسف (Unicef) است که اگر ما خواهان برخورداری از اهداف "دنیای مناسب کودکان و دستیابی به اهداف توسعه هزاره" هستیم، و اگر قرار است دنیایی کاملاً مناسب برای همه مردم کره خاکی خود بسازیم، فقط در صورتی که مشارکت کامل کودکان و نوجوانان را همراه داشته باشیم به این مهم دست خواهیم یافت گزارشهای زیر نگاهی است کوتاه به پیام کلیدی بیانیه ۲۰۰۳ کودکان جهان:

الف - داستان کوزت:

در کوبا یونیسف همکاری موفقیت آمیزی با دولت، در حمایت از یک برنامه ملی اوان کودکی به نام (کودک خود را آموزش دهید Educa a Tu hijo) برقرار کرده است. در

هاوانای مرکزی اعضای انجمن محلی هفته ای دو بار برای چنین فعالیتی در پارک محلی خود دوره‌م جمع می‌شوند. کوزت و دو فرزندش نیز در این گردهمایی شرکت می‌کنند.

#### ب - حکایت کارولین

در کنیا، ورزش طریقه دیگری را برای افزایش مهارت در مشارکت موفقیت آمیز نوجوانان فراهم آورده است. ورزش کردن به نوجوانان کمک می‌کند تا اتکای به نفس و اعتماد به خود را یاد بگیرند. کارولین یک دختر چهارده ساله است و برای بسیاری از دختران هم سن و سال خود از طریق اطلاع‌رسانی و ارائه نقش‌الگویی در مورد امکانات و روشهای مصون از بیماری ایدز (ADS) و عفونت مربوط به آن نقش بازی می‌کند.

#### ج - شرح حال ابی و اکیل

در آلبانی یک نمایش تلویزیونی جدید که توسط بچه‌ها تهیه و پخش می‌شود و از کانال تلویزیون ملی ارائه می‌گردد یکی از مهمترین، شایع ترین و اثرگذارترین شیوه‌های مشارکت نوجوانان در منطقه است. این دو نوجوان شانزده ساله خودشان مسئول تهیه، نوشتن متن، تدوین و ارائه برنامه می‌باشند.

#### د - داستان سوپیت

در تایلند: مشارکت کودکان امر پذیرفته شده‌ای در مدارس است. مدارس که یاور کودکان است یک فضای بدون سلسله مراتب و طبقه‌بندی برای نیازهای رشد و نمو همه کودکان را فراهم می‌کند. سوپیت دختر یک ساله و نمونه‌ای از هزاران کودکی است که در این کشور قربانی ایدز (AIDS) شده است.

### مشارکت و تشریک مساعی، رشد و نمو نوجوان:

به طور کلی توجه فزاینده‌ای به نوجوانان در شرف تکوین است.

این مسئله تا حدودی علل جمعیت‌شناسی دارد. در حال حاضر یک میلیارد نوجوان در سطح دنیا وجود دارد و این رقم روبه افزایش است و به ویژه در مناطق شهری کشورهای در حال توسعه حائز اهمیت است.

دلیل دیگر افزایش توجه به نوجوانان این است که این طیف سنی در مرکز بسیاری از مشکلات و آسیبهای اجتماعی و بهداشت عمومی قرار دارند، مسائلی که در اولویت و توجه والدین، انجمنها، سیاست گذارها و حتی خود نوجوانان قرار می گیرد مثل ایدز (AIDS/HIV) و خشونت بنابراین:

۱ - توجه و تمرکز بر حل مشکلات است نه اینکه صرفاً توجه به خود مشکلات باشد.

۲ - یک دستور جلسه جامع و جدید برای کودکان به وجود آید.

۳ - مشارکت نوجوانان یک اولویت تلقی شود.

۴ - به نوجوانان محروم و ناتوان توجه ویژه شود.

۵ - راههای دسترسی به برنامه های نوجوانان به همراهی خود نوجوانان باشد.

اکنون به توضیح مفصل تر مطالب مورد اشاره در بالا می پردازیم.

۱ - توجه و تمرکز بر حل مشکلات و نه صرفاً به خود مشکلات

رشد و نمو نوجوان یک نوع ایمنی سازی و مصونیت در مقابل مشکلات و آسیبهایی است که متوجه دوره نوجوانی می باشد. به دلیل اینکه تمرکز بر مشکلات موجب محدودیت منابع و ذخایر می شود و بسیاری از این مشکلات راه حلهای مشترک دارد تأکید یونیسف بر اهمیت توجه و تمرکز بر راه حل مشکلات در رشد و نمو نوجوان است تا تمرکز بر مشکلات آسیب زا.

۲ - یک دستور جلسه جدید برای کودکان

یونیسف دستور جلسه جامع و کلی نگری برای کودکان ایجاد کرده است و از ارزیابی تا تحلیل عملکردها پیش می رود. وقتی صحبت از مشارکت می شود، اشاره به شراکتی است که به بزرگسالان و نوجوان اجازه می دهد تا در کنار هم در یک رابطه دو طرفه سودمند کار کنند. مشارکت نوجوانان نباید محدود به برنامه ریزی برای تمرکز بر خود مشکلات که خصوصاً خود نوجوانان را درگیر می سازد باشد، چون نوجوانان یک منبع حائز اهمیت برای برنامه توسعه اجتماعی و جامعه مدنی می باشند.



یکی از روشهایی که یونیسف (Unicef) برای مداخله نوجوانان سراسر دنیا در کسب حقوق خود در مشارکت فراهم ساخته، برنامه صدای جوانان است.

### ۳- تمرکز بر نوجوانانی که محرومیت خاصی دارند

اگر چه تمامی نوجوانان آسیب پذیرند، اما بعضی از آنان آسیب پذیرتر و محروم تر هستند، بنابراین یونیسف توجه خاص به این نوجوانان به ویژه افرادی که در فقر و محرومیت شدید به سر می برند دارد.

بسیاری از این نوجوانان در نزاع و درگیریهای مسلحانه یا سایر موارد اضطراری دستگیر می شوند، بسیاری از آنان در شرایط خطرناک کاری بهره کشی و استثمار می شوند، مثل بهره برداری جنسی تجاری، یا زندگی در گوشه خیابان، بسیاری از این افراد مبتلا به ایدز (AIDS / HIV) هستند، این نوجوانان نیاز به حمایت‌های ویژه دارند، درست مثل نوجوانان دیگری که فاقد حمایت‌های خانوادگی و اجتماعی لازم برای رشد و نمو جسمی، روانی و اجتماعی، می باشند.

این افراد نه تنها به دلیل فقدان برخورداری از حقوق حقه خود مثل حق آموزش، بهداشت، سلامت، امنیت، قضاوت نوجوانان و استاندارد لازم برای زندگی در محرومیت و آسیب پذیری به سر می برند، بلکه به واسطه وجود شرایط و موقعیتی که آنها را مستعد آسیب زایی آتی حقوق و پیچیده تر شدن آسیب پذیری شان می کنند محروم و آسیب پذیر هستند. این کار در واقع بخشی از تلاش مجدد برای گسترش، تقویت و تمرکز بر جنبش موجود حول دستور کار مشترک کودکان است.

این دستور جلسه یک چشم انداز بر چرخه زندگی، بقا، رشد، نمو، توسعه، حمایت و مشارکت کودکان با تمرکز بر سه اولویت است:

۱- اوان کودکی

۲- آموزش ابتدایی

۳- نوجوانی

در ارتباط با نوجوانان دستور کار کلی نگر بر سه مسئله تأکید دارد.

الف - افزایش تواناییهای نوجوانان: تغذیه، مهارتهای جسمی و رشدی، دانش و شناخت، مهارتهای زندگی، مهارتهای سرزندگی یا زندگی شاد و خوشبخت (مهارتهای پدر و مادری (والدی).

ب - افزایش دسترسی نوجوانان به خدمات کیفی و فرصتهای دیگری برای آموزش، خدمات مشاوره، پیشگیری و بهداشتی، ورزش و تفریح، زندگی موفق و مشارکت.

ج - فراهم آوردن یک محیط پشتیبان و سلامت در خانه، مدرسه، محل کار و جامعه، که در واقع شامل خانواده، دوستان، کارفرما و محیطهای گسترده تری است که با سیاست گذاریها، قانون گذاریها، رسانهها، ارزشهای اخلاقی - اجتماعی و هنجارهای رفتاری تأمین می شود.

#### ۴ - مشارکت نوجوانان یک اولویت است

در حال حاضر آرای عمومی گسترده ای بر اینکه مشارکت نوجوانان برای رشد و نمو آنان امری اساسی و ضروری است مطرح می باشد. به همین دلیل، توسعه و رشد و نمو نوجوان نقش مرکزی برای توانایی وی در مشارکت مؤثر در طیف وسیعی از فعالیتهای مختلف از جمله کمک رسانی در حل مشکلات صرف خود تا تقویت روندهای مردم سالاری در جوامع و کشورهای آنان دارد.

بنابراین برنامه های یونیسف از سوی مداخلات مقطعی کوتاه مدت مثل برقراری همایش، به سوی برنامه های نظارتی طولانی و موثر می رود.

#### ۵ - نکته های کلیدی در برنامه ریزی با / برای نوجوانان

این مسئله که نوجوانان را به عنوان یک گروه یک دست و یکسان در نظر نگیریم بسیار مهم است. اگر چه نوجوانان در حین گذر از مرحله رشد و نمو، (تغییرهای سریع و گذرایی که به اسم نوجوانی است)، اشتراکهای زیادی دارند، اما تفاوتی قابل ملاحظه ای نیز با یکدیگر دارند و نیازهای خاص آنان ، براساس عواملی چون خصوصیات فردی شامل جنسیت، سن، محصل بودن یا نبودن، زندگی در مناطق شهری یا روستایی متأهل بودن یا نبودن ، متفاوت است.

همچنین محیط اجتماعی - اقتصادی و شرایط فیزیکی نوجوانان نقش مهمی را در نیازمندیهای ویژه آنان و احتمال اینکه به حقوق خود برای رشد و نمو و توسعه دست یابند بازی می کند.

تمام این عوامل بر شیوع مسائلی که در حین نوجوانی ممکن است رخ دهد مانند ایدز (HIV/AIDS)، بیماریهای مقاربتی (جنسی)، حاملگیهای ناخواسته یا بسیار زود، سرگ و میر مادران، استفاده از داروها و مواد غیرقانونی، الکل و سیگار، تصادفات و خشونت و تهاجم، بیماریهای روانی، خودکشی، بیماریهای چون سل که اوج آن در این دوره سنی است مؤثر هستند.

بنابراین راههای دسترسی برای کار با نوجوانان و برای نوجوانان براساس منطقه جغرافیایی مختلف متفاوت است. یونیسف از طریق گروههای مدیریت منطقه ای خود و مرکزیت دادن به روند برنامه ریزی کشوری، توجه کافی را به این مسئله مهم ابراز می دارد.

بیانیه کودکان جهان در سال ۲۰۰۳:

جدا از سیاستها و دولتها، کودکان باید نقش سازنده ای را به عهده گیرند اگر که خواهان دنیایی صلح آمیز و آرام تری هستیم.

## ۱۱ دسامبر ۲۰۰۲

یونیسف همزمان با به اهتزاز در آوردن پرچم گزارش سالانه خود، بیانیه سال ۲۰۰۳ کودکان جهان را ابراز داشت:

«میلیونها کودک احساس جدایی از نهادهای سیاسی و فقدان اعتماد به دولتهای خود می کنند.» مدیر اجرایی یونیسف در انگلستان دیوید بل می گوید: تحقیقات انجام شده در چهار کشور جهان طی سه سال اخیر براساس نمونه گیری از ۴۰/۰۰۰ کودک نشان داد که چهار میلیون کودک احساس تردید در مورد مفید بودن آرای خود به عنوان روشی برای بهبود زندگی خود می کنند، و رهبران دولتی خود را به عنوان الگوی نقش نمی بینند. این مسئله یک سوگیری بسیار نگران کننده است، چیزی که رهبران سیاسی باید به آن توجه کافی نشان دهند.

اگر که دنیای بزرگسالان حقیقتاً خواستار ایجاد دنیایی و آینده‌ای بهتر برای بشریت است، باید به کودکان امکانات و روشهای بیشتری برای مشارکت در تصمیم‌گیری در مورد آینده شان داد. طبق گزارش یونیسف، تشریک مساعی کودکان برای آماده سازی آنها در مسئولیت پذیری آنها به عنوان افراد بزرگسال و ایجاد جوامع منسجم تر ضروری است.

شکست در ارتقای مشارکت کودکان از سنین کودکی به معنای از دست دادن فرصت طلایی برای نهادینه کردن دموکراسی و ارزشهای والای انسانی در سراسر جهان است. شکستی که موجب می‌شود، افراد جوان فاقد احساس توانمندی و تعلق به جامعه شوند و این مسئله موجب هزینه گزافی خواهد شد. یونیسف تأکید دارد که در دنیای مجروح از تعارض، کشمکش و فقر پذیرش مشارکت کودکان و نوجوانان به عنوان اینکه آنان با مشارکت سازنده برای جوامع و ملت‌هایشان توانمند شوند و با پرورش خوش بینی در آنان و آماده سازی شان برای بزرگسالی و بالیدگی هدفمند و سازنده بسیار حیاتی است.

این یافته ها گویای یک پیام قدرتمند از سوی کودکان دنیا درباره ارزشهایی است که با آن رشد می‌کنند. دیوید بل می‌افزاید: بسیار ساده است، ما به اندازه کافی به حرف کودکان گوش نمی‌کنیم، و به اندازه، آنان را در کارها مداخله نمی‌دهیم. بچه ها خواستار نقشهای مثبت در مورد مقولاتی هستند که مربوط به خودشان است، و ما باید از توانمندی که به ما ارزانی می‌دارند و اشتیاقی که برای کمک در ایجاد تغییرهای مثبت دارند بهره برداری کنیم.

یونیسف معتقد است که مشارکت با کودکان در مورد موضوعهای مربوط به آنها از سالهای نخست زندگی، آنان را از هرج و مرج طلبی، آسیب پذیری و سلطه پذیری مصون نگه می‌دارد و می‌تواند نسلی از جوانان را که راجع به حقوق خود و دیگران احساس احترام و دلمشغولی بیشتری می‌کنند تربیت کند.

همچنین یونیسف در گزارش خود می‌افزاید که در راندن کودکان به کنار، خطر سقوط جدی وجود دارد وقتی کودکان را از فرآیند تصمیم‌گیری خارج کنید و فرصتهای لازم برای مداخله سازنده آنان را در موضوعات موثر بر زندگی‌شان فراهم نسازید، کودکان فاقد توانایی و مهارتهای حیاتی در رشد و نمو خود در بزرگسالی می‌شوند.

دیوید بل نماینده یونیسیف در انگلستان می گوید: کودکان فاقد توانایی برای ابراز وجود، تبادل نظر در مورد تفاوت و اختلاف نظریات، مسئولیت پذیری برای انتخاباتی که در زندگی می کنند، درگیر شدن در بحث و گفتگوهای سازنده و مثبت، احساس مسئولیت در مورد خود، خانواده و یا جامعه خود می شوند و به تبع آن جوامعی که این کودکان در آن بزرگ می شوند فاقد مداخلات در گفتمان مثبت و سازنده و اقدامات اجتماعی کارساز می گردند.

کودکان چه چیزی را به جامعه می افزایند؟

بیانیه کودکان جهان ۲۰۰۳ می گوید: ورای منافع طولانی مدت برای خود کودکان و جوامع آنها که در آن رشد و بالندگی می یابند، وقتی که به کودکان فرصت مشارکت در تصمیمات و اقدامات بزرگسالان داده می شود، این عملکرد مثبت تر، خلاقانه تر، پر انرژی تر، مفیدتر و مثمر ثمرتر می شود.

کودکان و نوجوانان ثابت کرده اند که وقتی در مسائل دخالت داده می شوند می توانند ایجاد تفاوت و تغییر در دنیای پیرامون خود کنند، چرا که عقاید، تجربیات و نگرش خود را دارند که موجب غنی تر شدن درک بزرگسالان و تشریک مساعی مثبت در عملکرد بزرگسالان می شود.

یونیسیف موارد متعددی از شرایطی که در آن چگونه کودکان وقتی که به حرفشان گوش می دهند و شانس عملکرد به آنها داده می شود قادر به ایجاد تغییرهای مثبت در جوامع خود می باشند مطرح می کند.

مثلاً در بلوچستان، پاکستان، که آمار باسوادی زنان ۲٪ است، گروههای پیشاهنگ پسر با جلب رأی اداره های آموزش برای اجازه حضور دختران در محله های خود موجب شدند ۲۵۰۰ مورد جدید در سال اول مدرسه آموزش ببینند.

در ایالت ابیا (Abia) نیجریه، دانش آموزان دبیرستانی در یک منطقه با سازمان دادن یک گروه آموزش خانه به خانه، ۲۵۰۰۰ نفر از مردم را در مورد اهمیت ایمنی سازی یا واکسن آموزش دادند. در نتیجه صدها نفر از زنانی که فواید ایمن سازی را نمی دانستند، کودکان خود را به درمانگاههای بهداشتی محلی برای انجام این کار بردند.

جامعه از مشارکت کودکان و نوجوانان به دلیل تازگی و سرزندگی که به بار می آورند سود می برد. ممکن است آنان همیشه راه حلهای در دسترس برای تمام مسائل و مشکلات نداشته باشند، اما به ندرت به مسائل به عنوان یک معضل و مسئله همیشگی و معمول نگاه می کنند و سعی در بهتر کردن مسائل و حل مشکلات دارند. بنابراین راههای بیشتر و عقاید گسترده تر و متعددی ارائه می کنند، فرصتهایی که موفقیتهای بیشتری از آن حاصل می شود.

### دستیابی به اهداف هزاره سوم

از هشت هدف مهم پذیرفته شده توسط ملل مختلف جهان در سال ۲۰۰۰ به عنوان اهداف توسعه هزاره، ۶ مورد مربوط به کودکان بوده و نیازمند سرمایه گذاری مستمر بر سلامت و رفاه کودکان داشته است. گوش سپردن به کودکان، درک دیدگاههای خاص آنان، شرکت دادن آنها در تلاش برای دستیابی به اهداف هزاره برای کسب موفقیت بسیار اساسی است. کسب بیشتر اهداف برای سال ۲۰۱۵ برنامه ریزی شده است، اما یکی از مهمترین آن اهداف که بهبود یا افزایش فرصتهای آموزش برای دختران است تا سال ۲۰۰۵ طرح ریزی شده است.

گزارش یونیسف می گوید: رهبران جهان باید از افراد جوان بهره برداری کنند و آنان را به عنوان منابع کلیدی مهم شناسایی و ارزیابی کنند.

یونیسف این مسئله را به دولتها ابلاغ کرده است که ارزشهای دموکراتیک (مردم سالاری) را به کودکان از اوان کودکی از طریق گسترش دستیابی کودکان به آموزش و پرورش و مشارکت در جامعه مدنی و دولتی آموزش دهند.

### حقایق و موارد مهم و کلیدی

- ۱۵۰ میلیون کودک از سوء تغذیه رنج می برند.
- ۱۲۰ میلیون کودک در سن دبستانی (اکثریت با دختران است) از مدرسه محروم هستند.
- ۷/۰۰۰ کودک و نوجوان هر روز مبتلا به عفونت (HIV) می شوند.

- 1- [WWW. Unicf.org. Uk/news/press Centre/ Sowcpr-2003.htm](http://WWW.Unicf.org.Uk/news/press%20Centre/Sowcpr-2003.htm)
- 2- [WWW. Unicef. Org/sowc 03/Presskit/feature-myth.html](http://WWW.Unicef.Org/sowc%2003/Presskit/feature-myth.html)
- 3- [WWW. Unicef.org/programme/youth/progapproach/progapp.html](http://WWW.Unicef.org/programme/youth/progapproach/progapp.html)
- 4- [WWW. Unicef. Org/Sow 03/contents/child participation. Html](http://WWW.Unicef.Org/Sow%2003/contents/child%20participation.Html)

*Archive of SID*